

لزوم عدالت اقتصادی در بهره‌برداری امکانات عمومی از منظر آموزه‌های دینی

محمد انور محقق *

چکیده

عدالت و زیرمجموعه‌های آن مثل عدالت اقتصادی از مسائل قدیمی در جامعه بشر بوده است و هر مکتب بر اساس اصول خود به آن پاسخ داده است. عدالت از حق ناشی می‌شود. در هر جامعه‌ای که هرکس به حق خود برسد، در آن جامعه عدالت برقرار می‌شود. در اسلام بر اساس حقوق متقابل حاکمیت و ملت، ایجاد فرصت‌های برابر در بهره‌برداری از امکانات عمومی بر عهده حاکمیت قرار دارد. گرچه بر اساس اختلاف در سطح استعدادها و تلاش افراد، سطح درآمد و رفاه در جامعه متفاوت است که این اختلاف باعث گردش اقتصادی جامعه می‌شود؛ اما باید حقوق افراد ضعیف جامعه را رعایت کرد. راهکارهای جبرانی و عدم تبعیض برای ایجاد فرصت برابر برای استفاده عادلانه از امکانات عمومی وجود دارد. اگر عدالت در تقسیم امکانات رعایت نشود جامعه از هم می‌پاشد. مهم‌ترین مانع تقسیم عادلانه امکانات عمومی رانت است و تقسیم عادلانه امکانات عمومی باعث توسعه پایدار و افزایش کارایی می‌شود.

واژگان کلیدی: عدالت اقتصادی، امکانات عمومی، رانت، توسعه پایدار، کارایی.

* دکتری اقتصاد اسلامی موسسه علوم انسانی.

مقدمه

عدالت اقتصادی یکی از مسائل حیاتی جامعه بشری، و در سطح مباحث نظری از گذشته دور تاکنون مورد توجه ویژه اندیشمندان اقتصادی بوده است. دست نامرئی آدام اسمیت و عدم دخالت دولت و نظریه‌های اقتصاد رفاه در اقتصاد آزاد، و الغای مالکیت خصوصی ابزار تولید (سرمایه) در اندیشه سوسیالیزم، همواره بیانگر دغدغه متفکران اقتصادی درباره عدالت اقتصادی بوده است. عدالت در بهره‌وری از امکانات عمومی زیرمجموعه عدالت اقتصادی است و عدالت اقتصادی بخشی از عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی یعنی برابری در توزیع امکانات و منابع جامعه است. منابع و امکانات جامعه را به چهار بخش اصلی قدرت، ثروت، منزلت، دانش و معرفت تقسیم می‌شود. عدالت اقتصادی درباره چگونگی تقسیم ثروت و امکانات اقتصادی جامعه بحث می‌کند. از طرفی افرادی که از امکانات عمومی بیشتری استفاده می‌کند، فرصت بیشتری برای به دست آوردن ثروت بیشتر و رفاه بیشتری دارد؛ به همین خاطر عدالت در تقسیم امکانات عمومی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند؛ زیرا اگر این بی‌عدالتی‌ها ادامه داشته باشد باعث فروپاشی جامعه‌ها و رفتارهای عکس‌العملی خواهد شد، به طوری که ایجاد کمونیست به خاطر رفتار ظالمانه لیبرالی ایجاد شد و عکس‌العملی در مقابل ظلم سرمایه‌دارها در مکتب لیبرالی بود. از طرفی اگر هرکس بر اساس عدالت از امکانات عمومی استفاده کند و در نتیجه فرصت‌های کاری و بهره‌وری یکسانی از امکانات جامعه برای افراد ایجاد می‌شود. در نتیجه افراد بر اساس استعداد و لیاقت خود کار می‌کند از امکانات بهترین استفاده می‌شود و کشور توسعه می‌یابد و این توسعه پایدار نیز خواهد بود، زیرا به طور عادلانه امکانات بین افراد جامعه حتی بین نسل‌های آینده استفاده خواهد شد.

تعریف عدالت

تعریف لغوی عدالت

ازنظر لغوی عدل به معانی زیر به کار برده شده است:

مساوات و برابری؛ به چیزی که مسای چیز دیگر گفته شده و به قیمت و بدل هر چیزی نیز عدل گفته می شود؛ زیرا معادل و مساوی آن شئی است. راضی بودن نزد مردم از نظر گفتار و قضاوت و مقبولیت و شهادت. به حق قضاوت کردن. میل و انحراف از حق. ضد جور. اعوجاج و نابرابری. میانه روی در امور (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۱۵۴ق)؛ (معجم الصحاح، ۱۴۲۶ق، ص ۶۸۰).

تعریف اصطلاحی عدالت

مرحوم آیت الله خوئی عدالت را صفت فعل می داند و عدالت را به استقامت عملی بر جاده شرع و عدم انحراف از آن معنی می کنند که نتیجه اش اجتناب از گناهان است (خوئی ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۲۰۲).

تعریف سنتی عدالت «العدالة اعطاء كل ذي حق حقه» است (جهانیان، ۱۳۹۳ش، ص ۱۳۶). استاد مطهری با استفاده از روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام عدالت را قراردادن هر چیز در جایگاه خود، تعریف می کند و اشاره می کند که حتی اگر معنای عدالت، توازن باشد، باز از معنای «اعطاء كل ذي حق حقه» بیرون نیست. توازن اجتماع به این است که حقوق همه افراد رعایت بشود، حق اجتماع هم رعایت بشود (مطهری ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۳۳۰).

عدالت توزیعی یا آنچه که امروزه تعبیر رایجی در جامعه شناسی و علوم سیاسی است؛ یعنی «عدالت اجتماعی» به معنای برابری در توزیع امکانات و منابع جامعه است.

در راستای معنای لغوی عدالت، بسیاری عدالت را به عنوان یک امر اجتماعی به توازن معنا کرده اند. (معرفت، ۱۳۸۳ش، ص ۵۵).

آیت‌الله مصباح در تعریف عدل می‌نویسد: برای عدل می‌توان دو مفهوم خاص و عام در نظر گرفت: یکی رعایت حقوق دیگران و دیگری، انجام دادن کار حکیمانه که رعایت حقوق دیگران هم از مصادیق آن است (یزدی ۱۳۷۲ ش، ص ۱۹۳).

مفهوم عدالت اقتصادی:

بر اساس جمع‌بندی مفهوم عدالت اقتصادی برحسب کاربرد آن در متون اسلامی، چهار معنای تساوی، دادن حق هر صاحب حق به او، توازن و اعتدال یا «وضع الشیء فی موضعه» را می‌توان استخراج کرد. شایان ذکر است که به نحوی، همه این معانی به نوبه خود همسان‌اند و یک مطلب را می‌رسانند؛ بدین ترتیب که منظور از مساوات، تساوی مطلق نیست، بلکه تساوی در استحقاق‌های برابر، مورد نظر است. مفهوم «استحقاق» اعم از استحقاق عرفی (نفقه افراد تحت تکفل)، سهمی (سهم نیروی کار و عوامل تولید) و حد کفایی (به‌قدر گشایش) نیز همان «وضع شیء فی موضعه» و رعایت تناسب است و در جامعه به‌عنوان کل، توازن (برقراری هماهنگی در سطح زندگی، درآمد و ثروت)، همان «اعطا کل شیء حق حقه» و «وضع الشیء فی موضعه» است (رجایی و معلمی، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۱۹).

اهمیت عدالت

در اهمیت عدالت اقتصادی، همین بس که حضرت علی (ع) فلسفه پذیرفتن خلافت پس از عثمان را به هم خوردن عدالت و منقسم شدن مردم به دو طبق سیر و گرسنه ذکر می‌کند و می‌فرماید:

«اگر گردآمدن مردم نبود و اگر نبود که خداوند از دانیان پیمان گرفته تا آنجا که مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی پرخور که از بس که خورده‌اند ترش کرده‌اند و گروهی گرسنه و محروم.

لزوم عدالت اقتصادی در بهره برداری امکانات عمومی از منظر آموزه های دینی ۵۳

اگر این‌ها نبود، من افسار مرکب خلافت را روی شانه‌اش می‌انداختم و رهایش می‌کردم و کاری به کارش نداشتم» (نهج البلاغه، خطبه ۳).

افزون بر آن، امامان بر این نکته تأکید می‌ورزند که اگر مسلمانان به اصل عدالت وفادار باشند و آن را در جامعه رعایت کنند، مشکل فقر و بیچارگی مردم از میان می‌رود. امام باقر (ع) نیز می‌فرماید: در اثر اجرای عدالت آسمان روزی خود را فرو می‌فرستد و زمین برکت خود را آشکار می‌کند. کلینی، ۱۳۶۵ ق، ج ۳، ص ۵۶۸.

اسلام و عدالت اقتصادی

۱. رابطه حق و عدالت

رعایت حقوق متقابل بین حاکمیت و مردم، زمینه‌ساز عدالت بین آن‌ها است. حاکمیت می‌باید ملت را، و ملت متقابلاً می‌باید حقوق حاکمیت را در ساحت روابط اجتماعی عملی سازند تا عدالت اجتماعی شکل گیرد. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «پس چون رعیت، حق والی را بگزارد و والی حق رعیت را به جای آرد، حق میان آنان بزرگ مقدار بشود و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت بر جا قرار گیرد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

تعلیم و تربیت مردم، تأمین امنیت ملی، زمینه‌سازی توسعه اقتصادی-اجتماعی مبارزه با فقر و تأمین حداقل معیشت برای قشرهای آسیب‌پذیر، بخشی از حقوق ملت در جامعه اسلامی به شمار می‌رود؛ چنان‌که درآمدهای مالیاتی قانون‌پذیری و تبعیت از سیاست‌های گوناگون حاکمیت، مشارکت مردم در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی از حقوق حاکمیت است (نظری، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۲۱).

پس می‌توان گفت که مفهوم عدالت، رعایت حقوق است؛ بنابراین رفتار و روابط عادلانه، رفتار و روابطی است که بر اساس حق باشد؛ بنابراین، عدالت اقتصادی یعنی مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی.

اغلب صاحبان اندیشه، رفتار افراد نظام را بر محور حق، عدالت می‌دانند و اگر در جامعه‌ای هریک از افراد به حق خود دست یابد، آن جامعه عدالت مدار است. یگانه اختلاف مهم که آثار زیادی دارد اختلاف در معنای حق و منشأ ایجاد حق اقتصادی برای افراد جامعه است.

۲. شناخت حق

تعدادی از معانی که برای واژه حق شمرده‌اند از این قبیل است: امتیاز و نفع، امتیاز و اختیار، سلطه فعلی، نوعی ملکیت، مرتبه ضعیفی از ملک، متضمن و منفعت، مصلحت و قدرتی متکی بر قانون و ثبوت (موحدی، صص ۳۷ - ۵۱).

در اغلب تعاریف صاحب نظران، حق به مفهوم امتیاز و نفع و یا به نوعی ملازم با نفع و امتیاز است.

مبنای عدالت از نظر اسلام حقوق متقابل حاکمیت و ملت است. این حقوق را می‌توان به عام و خاص تقسیم کرد.

در حق عام، افراد جامعه در برابر حق عام مساوی‌اند. همگان حق دارند جهت ادامه حیات و افزایش رفاه به عمران و آبادانی پردازد. بر همین اساس، خداوند می‌فرماید:

«هر انسانی حق عمران و استفاده از منابع طبیعی را دارد» (هود، ۶۱).

در حق خاص، پیدایش مالکیت خصوصی بر ثروت‌های طبیعی، بر اساس کار مفید اقتصادی از قبیل احیا، حیازت و بر دستمزد بر اساس کار جهت تولید کالا یا خدمات برای دیگران انجام می‌پذیرد؛ چنان‌که نیاز برای افرادی که نه توان کار دارند و نه مال اندوخته‌ای، جهت رفع نیاز خود می‌تواند منشأ پیدایش این نوع مالکیت از بیت‌المال شود.

لزوم عدالت اقتصادی در بهره برداری امکانات عمومی از منظر آموزه های دینی ۵۵

نکته اساسی در تحلیل حق عام و خاص این است که هیچ حقی بدون مسئولیت و تکلیف نیست، بر همین اساس، امام علی (علیه السلام) فرمودند: «حقی برای کسی نیست، مگر آنکه به عهده اش هم حقی هست و به عهده کسی حقی نیست، مگر آنکه برای او ذی نفع هم هست». (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

۳. حقوق اقتصادی متقابل بین حاکمیت و ملت

حاکمیت اسلامی مسئولیت سلامت زیست محیطی و شرایط استمرار آن را برای نسل های آینده به عهده دارد؛ بنابراین صیانت محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی تجدید ناپذیر، بر اساس قاعده نفی ضرر و اضرار، به حق عام صورت می پذیرد. همچنین تولید کالای عمومی مثل امنیت ملی، خدمات قضایی، دفاع از حقوق ملی، تعلیم و تربیت همگانی و خدماتی از این قبیل، بخشی از وظایف حاکمیت به شمار می آید.

فراینده توسعه جامعه در سایه تأمین زیرساخت های آن شکل می گیرد. تأسیس مراکز علمی، فرهنگی، تحقیقاتی برای تربیت نیروی انسانی مناسب «استصلاح»، کارهای عمرانی «عمار» (بلاد)، بهداشت و درمان فراگیر زیرساخت های توسعه است. بر همین اساس، امام علی (علیه السلام) در منشور حکومت خود می فرماید: «حبابه خراجها و جهاد عدوها و استصلاح اهلها و عماره بلادها». (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

توازن درآمد جامعه به عهده حاکمیت خواهد بود. بی شک، فاصله چشمگیر قشرهای جامعه، سبب دوری آنان از یکدیگر می شود. این فاصله، عقده ها را می افزاید و وحدت جامعه را از بین می برد. از این گذشته، تمرکز ثروت، منشأ بروز مفاسد اخلاقی و مشکلات اجتماعی است، در مقابل عده ای دیگر به محرومیت دچار خواهد شد و فاصله میان اقشار جامعه فراهم می آورد. بر همین اساس، قرآن می فرماید:

«کی لایکون دولة بین الاغنیاء منکم» (حشر، ۷).

به طور کلی، اعتدال و توازن ایجاد می‌کند سیاست‌های اقتصادی عدالت اجتماعی-اقتصادی را هماهنگ با توسعه پایدار بجوید. (نظری، ۱۳۹۳، صص ۱۲۶-۱۲۷).

عدالت در تقسیم امکانات عمومی از نظر آموزه‌های دینی

بر اساس آموزه‌های اسلامی، یکی از شروط تحقق عدالت اقتصادی این است که تمام افراد جامعه بتوانند در شرایط برابر تلاش نموده و به حق خود از دارایی‌های جامعه دست یابند. در اقتصاد اسلامی، عدالت به معنای تساوی درآمد همه افراد جامعه نیست، بلکه برخی از اسباب اختلاف درآمد، طبیعی و گریزناپذیر است؛ خدای متعال در این باره می‌فرماید: «معیشت آن‌ها را در حیات دنیا میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم» (زخرف، ۴۳).

با تحقق شرایط برابر و مساوی برای تلاش اقتصادی و کسب درآمد، به طور طبیعی شاهد این پدیده هستیم که گروهی به علت داشتن برتری فکری و قدرت جسمی یا برخورداری از فرصت‌های طبیعی می‌توانند درآمدی بسیار فراتر از مخارج خود داشته باشند. گروهی نیز درآمد حاصل از کارشان به حدی است که می‌توانند مخارج زندگی در سطح رفاه و درخور شأنشان را تأمین کنند. گروه سوم، درآمد حاصل از کارشان از مخارج متعارف برای یک زندگی مرفه کمتر است؛ اما گروه چهارم به علت ضعف جسمی یا نقص عقلی نمی‌توانند کار کنند و درآمد داشته باشند.

رقابت سالم فعالان اقتصادی، در آموزه‌های اسلامی تشویق شده است؛ زیرا فعالیت‌های اقتصادی سالم یکی از مصادیق کارهای خیر است و رقابت در کارهای خیر مورد تأیید اسلام است. اسلام به حدی به فعالیت سالم اقتصادی اهمیت می‌دهد که در حدیث نبوی می‌فرماید: «کسی که برای (کسب روزی) خانواده خویش زحمت بکشد، مانند مجاهد در راه خدا است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، جلد ۳، ص ۱۶۸).

قرآن کریم، مسلمانان را به مسابقه، مسارعه و تنافس در کارهای خیر، تشویق و ترغیب می نماید:

«پس در نیکی ها بر یکدیگر سبقت جوید! بازگشت همه شما به سوی خداست. سپس از آنچه در آن اختلاف می کردید به شما خبر خواهد داد. در برخی از آیه ها سبقت جستن در خیرات از صفت های مؤمنان شمرده شده است» (مائده، ۴۸).

«چنین کسانی (مؤمنان) در خیرات سرعت می گیرند و از دیگران پیشی می گیرند و مشمول عنایات ما هستند». (مؤمنون، ۶۱)

و همچنین در آیه دیگر آمده است: «وفی ذلک فلیتنافس المتنافسون» (مطففین، ۲۶).

در این آیه شریفه، تنافسه معنای تمنی و تلاش دو انسان است که هرکدام می خواهد شیء نفیسی که برای دیگری است در اختیار او نیز باشد. در مجمع البحرین آمده است: تنافس به معنای سبقت و پیشی گرفتن بزرگوارانه بر دیگری است (رقابت و مسابقه سالم). منافسه به معنای تلاش انسان برای شباهت به افراد برجسته و ملحق شدن به آنهاست، بی آنکه ضرری به دیگری وارد شود.

به هر حال تعبیری که در آیه آمده، زیباترین تعبیری است که برای تشویق انسان ها برای وصول به این نعمت های بی مانند از طریق ایمان و عمل صالح تصور می شود (مکارم، ۱۴۷۴ ش، ج ۲۶، ص ۲۷۷). روایات متعددی در ذیل این آیه شریفه از معصومین (ع) وارد شده است که از آن جمله فرمایش رسول اکرم (ص) است که می فرماید: مؤمن رقابت می کند... [همان طور که] خدای تعالی می فرماید: «وفی ذلک فلیتنافس المتنافسون». (جباران، ترجمه اخلاق، ص ۲۵). امام صادق (ع) نیز می فرماید: «در کار نیک با یکدیگر رقابت کنید و اهل نیکی [و خیر رسانی] باشید». (حکیمی، ۱۳۸۰ ش، ج ۵، ص ۱۵۰).

بنابراین رقابت اقتصادی، اگر با اهداف خیر باشد، به شرط رعایت دستورها و فرامین الهی، مورد موافقت شرع مقدس اسلام است. گرچه نباید افراد به گونه‌ای در رقابت‌های اقتصادی سرگرم شوند که فقط به منافع خصوصی خود بیندیشند و موجب بروز مفسد اخلاقی و مفسد اجتماعی از قبیل بروز نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، پدیداری چهره فقر، تشدید اختلاف طبقاتی، اسراف، تبذیر و تجمل‌گرایی شود. اختلاف سطح درآمد مردم، از حکمت الهی نشأت می‌گیرد و موجب گردش امور مردم می‌شود اما اختلاف درآمدها، اگر ناشی از ستم، تجاوز و تبعیض در امتیازهای قانونی و حکومتی و نابرابری فرصت‌ها باشد، موردقبول و تأیید اسلام نیست. تمام افرادی که توان کار کردن را دارند، در استفاده از امکانات و فرصت‌های عمومی برای کار و تلاش اقتصادی باید برابر باشند.

در صورتی که برخی افراد در مقایسه با دیگران از امکانات و فرصت‌های عمومی به گونه‌ای استفاده کنند که امکان کار برای آن‌ها در مقایسه با دیگران آسان‌تر و بیشتر فراهم باشد، بر دیگران ظلم شده است؛ چون این امر باعث می‌شود تا آن‌ها نتوانند از طریق کار به سهم خود از ثروت جامعه دست یابند. استفاده نادرست و تبعیض‌آمیز در بهره‌مندی از امکانات و فرصت‌های عمومی مهم‌ترین و بزرگ‌ترین سنگ بنایی است که اگر کج نهاده شود، جامعه دچار بی‌عدالتی عمیق می‌شود. نکته مهم این است که همه افراد جامعه برای کار، ایجاد حق و بهره‌مندی از فرصت و امکانات، باید مساوی باشند. (معلمی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸). در این بستر مساوی، هرکس بر اساس میزان کار و تلاش می‌تواند از دیگران سبقت بگیرد و بهره‌مندی خود را از مواهب طبیعی در مقایسه با دیگران بیشتر کند.

توزیع عادلانه فرصت‌ها منوط به توزیع عادلانه امکانات عمومی و شرایط رسیدن به موقعیت‌های اقتصادی است. این امکانات و شرایط شامل انواع خدمات دولتی اعم از خدمات

آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، زیرساختی، اطلاع‌رسانی و همچنین ثروت‌های طبیعی که خداوند متعال به انسان‌ها بخشیده و حاصل تلاش و تولید انسان‌ها نیست مانند زمین‌های موات، جنگل‌ها، معادن، آب‌ها، حیوانات و پرندگان می‌شود (معلمی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸). از این‌رو در آموزه‌های اسلامی نظریه توزیع قبل از تولید (توزیع ثروت‌های طبیعی)، مطرح شده است. این نظریه، چگونگی توزیع ثروت‌های طبیعی در جامعه را توضیح می‌دهد و بر اساس آن باید عموم مردم از فرصت برابری در بهره‌مندی از مواهب طبیعی برخوردار باشند. برخی از ثروت‌های طبیعی به مباحات عامه شهرت دارند که ملک کسی نیستند و استفاده و تملک آن‌ها برای همگان به وسیله حیازت (در اختیار گرفتن) مجاز است؛ مانند پرندگان، حیوانات وحشی، ماهیان و ثروت‌های دریاها، درختان و آب‌های جاری. مردم در استفاده از مباحات عامه مساوی‌اند و هر کس مقداری از آن‌ها را به‌منظور بهره‌برداری در اختیار خود درآورده و مالک شود. یکی از ادله این موضوع که بر رقابت سازنده در بهره‌مندی از منابع طبیعی دلالت می‌کند، حدیث نبوی است که می‌فرماید: «کسی که سبقت بگیرد به چیزی که مسلمانی پیش از او آن‌ها را در اختیار نگرفته، از دیگران به آن سزاوارتر است» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۳، ص ۱۰۱۸). نکته مهم این است که در شریعت اسلام، مالکیت ثروت‌های طبیعی (مباحات عامه)، بدون مباشرت مستقیم در حیازت آن‌ها نفی شده و از راه اجیر کردن، مالکیتی نسبت به محصول ایجاد نمی‌شود. این‌گونه احکام در جهت تحقق عدالت اقتصادی با رویکرد مبدأمحور و ایجاد فرصت‌های اقتصادی برابر برای عموم مردم است.

شهید مطهری با بیان فرق بین تبعیض و تفاوت، به تساوی در فرصت‌ها و امکانات چنین اشاره می‌کند:

«فرق است میان تبعیض و تفاوت، همچنان‌که در نظام تکوینی جهان تفاوت هست؛ اما تبعیض نیست. مدینه فاضله اسلامی، مدینه ضد تبعیض است نه ضد تفاوت. جامعه اسلامی جامعه

تساوی‌ها و برابری‌ها و برادری‌ها است؛ اما نه تساوی منفی؛ بلکه تساوی مثبت. تساوی منفی، یعنی به حساب نیاوردن امتیازات طبیعی افراد و سلب امتیازات اکتسابی آن‌ها برای برقراری برابری. تساوی مثبت، یعنی ایجاد امکانات مساوی برای عموم و تعلق مکتسبات هر فرد به خودش و سلب امتیازات موهوم و ظالمانه و... جامعه اسلامی، جامعه طبیعی است، نه جامعه تبعیضی و نه جامعه تساوی منفی. تز اسلام «کار به قدر استعداد و استحقاق به قدر کار» است (مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۳).

مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرماید:

باید آن کسانی که برای تحرک استعداد دارند، فرصت‌های برابر دریافت کنند. اگر کسی تبدیلی کرد، تبدیلی‌اش به گردن خودش. نباید این جور باشد که در برخی از مناطق کشور مجال برای تلاش علمی یا تلاش اقتصادی نباشد، اما بعضی‌ها از منابع و از امکانات کشور به طور بی‌نهایت بتوانند استفاده کنند (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۷/۱/۱ برگرفته از سایت معظم له). بنابراین جامعه در قالب حکومت متعهد است تا محیط لازم برای دستیابی عادلانه به قابلیت‌ها و فرصت‌ها که ناشی از تقسیم عادلانه امکانات عمومی است را همراه با شفافیت، فراهم کند. بار بهره‌برداری بر دوش افراد است. از دیدگاه اسلام، همه انسان‌ها برای تحقق فعلیت حق خود باید فرصت و امکانات مساوی داشته باشند و بر اساس تفاوت در استعداد و توانمندی، ممکن است نتوانند یکسان بهره‌مند شوند، اما «نیاز» هم منشأ دیگری برای به فعلیت رسیدن حق در مقایسه با افرادی است که توان کار ندارند. (یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱)؛ چون بر اساس حقوقی که برای مردم و حکومت بیان شد، این گروه حق دارند تا به وضعیت آن‌ها رسیدگی شود تا عدالت برقرار شود.

توزیع قبل از تولید به‌تنهایی نمی‌تواند عدالت اقتصادی را تأمین کند؛ زیرا شکاف فاحش طبقاتی، شرایط نابرابری را در جامعه حاکم می‌سازد که به خصومت‌ها و رقابت‌های ناسالم

منتهی می گردد و طبقه ضعیف، ضعیف تر و ثروتمندان، ثروتمندتر می گردند. در نتیجه نظریه توزیع بعد از تولید نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

راهکارهای توزیع برابر فرصت ها و امکانات عمومی

دو راهکار برای برابری فرصت ناشی از عدالت در تقسیم امکانات عمومی در جهت تحقق عدالت اقتصادی مطرح شده است: راهکار جبرانی و راهکار عدم تبعیض. در راهکار جبرانی که از آن به «هم سطح کردن عرصه بازی» یاد می شود، برابر سازی فرصت ها با به کارگیری سیاست اجتماعی برای جبران زیان های به ارث گذاشته شده در وضعیت محیطی افراد محقق می شود. جامعه باید هر چه در توان دارد در راستای هم سطح کردن عرصه بازی انجام دهد تا افرادی که درجات یکسانی از تلاش را اعمال می کنند، به دستاورد برابری نائل آیند.

یعنی جامعه باید عرصه بازی را برای افراد در دوران رشد و نمو به گونه ای برابر سازد که کلیه افرادی که از توانمندی های درخوری برخوردارند و نامزد رقابت برای کسب موقعیت های اجتماعی شده اند را در برگیرد. این نگرش درصدد جبران شرایطی است که فرد به صورت غیر اختیاری از آن محروم بوده است، به گونه ای که بتوان اطمینان حاصل کرد که در نهایت، موقعیت فرد از نظر ثروت و درآمد تنها در اثر تلاش و کوشش و استعداد او بوده است.

جان رالز، به عنوان یکی از برجسته ترین مدافعان این راهبرد است.

بر این اساس راهکارهای متنوعی برای جبران محرومیت های پیش گفته در راستای برابری فرصت ناشی از برابری امکانات، ارائه شده است؛ راهکارهایی همچون تولید مکمل های غذایی و اعطای آن به کسانی که رژیم غذایی نامناسب داشته اند یا دادن بورسیه به دانش آموزان فقیر برای ورود و ادامه تحصیل در مراکز آموزشی یا اعزام مربیانی با مهارت های بالا به روستاها. این که چه کسانی و چه تعداد افراد در توزیع قابلیت های به دست آمده و فرصت های مولد کنار

گذاشته خواهند شد تا حد چشمگیری به راهبردهای توسعه‌ای اتخاذ شده، به‌ویژه محتوای کارایی و برابری‌شان بستگی دارد.

راهکار دوم برای برابر سازی فرصت‌ها، عدم تبعیض است. در این راهکار، برابری فرصت در رقابت برای موقعیت‌های اجتماعی، تنها باید بر اساس صفات مرتبط با انجام وظایف مربوط به آن موقعیت‌ها مورد قضاوت قرار گیرد و صفاتی چون نژاد یا جنسیت را نباید به حساب آورد. به نظر می‌رسد در برداشت اول (راهکار جبرانی)، علی‌رغم بررسی‌های دقیق انجام شده درباره علت‌های مؤثر نابرابری در عرصه رقابت نابرابری در رقابت برای افراد در دوران تکوینشان کرده‌اند، اما بازهم این عوامل از جهت مفهوم و تعداد و میزان تأثیر مبهم است، با توجه به پیچیدگی‌های جسم و روح انسان، نمی‌توان عوامل نابرابر ساز عرصه بازی را به‌طور دقیق تعیین کرد. به‌علاوه، میزان تأثیر و تأثر عوامل یادشده بر روی یکدیگر نیز قابل اندازه‌گیری نیست. یقیناً میزان این تأثیرگذاری در دانش‌آموزی که در روستای کوهستانی زندگی می‌کند با کسی که در شهر زندگی می‌کند، متفاوت است. تنوع این عوامل به‌قدری زیاد است که نمی‌توان معیارهای مناسبی برای ارزیابی آن تعیین کرد تا با جبران آن، عدالت محقق شود.

بنابراین ناکامی‌ها و محرومیت‌های گذشته افراد را نه می‌توان به‌طورکلی رها کرد و نه می‌توان تمامی آن‌ها را جبران نمود. مهم این است که به‌اندازه توانایی و با رعایت اولویت‌ها در تأثیرگذاری، متناسب با شرایط زمان و مکان، راهبرد جبرانی برای پیش‌گیری از بی‌عدالتی اتخاذ شود.

در تعالیم دین اسلام، بر مساوات و برابری در خدمات دولتی و امکانات عمومی، عدم تبعیض از سوی حاکمیت، تأکید فراوان شده و از تبعیض و نابرابری در رفتار حاکم اسلامی با مردم نهی شده است. امام علی (ع) در سخنان مختلفی بر این موضوع تأکید کرده است. ایشان در نامه به یکی از فرمانداران می‌نویسد: «در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن، با

همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند.» همچنین درباره گروهی که به معاویه پیوسته بودند و بخشی از اموال دولتی را شخصی کرده بودند، می نویسد: «آنان دنیاپرستانی هستند که به دنیا روی آوردند و شتابان در پی آن روانند. عدالت را شناختند و دیدند و شنیدند و به خاطر سپردند و دانستند که همه مردم در نزد ما، در حق یکسان اند. پس به سوی انحصارطلبی گریختند. دور باشند از رحمت حق و لعنت بر آنان باد!».

بر این اساس دولت اسلامی باید با اتخاذ مناسب دو راهکار جبرانی و عدم تبعیض، در ارائه خدمات و ایجاد رقابت عادلانه، اصل برابری فرصت را که ناشی از برابری امکانات عمومی است را رعایت کند و هیچ گونه تبعیضی را اعمال نکند.

موانع عدالت اقتصادی در تقسیم امکانات عمومی

عوامل درونی برای تحقق فرصت های برابر، ناشی از تقسیم عادلانه امکانات اقتصادی، به دنبال نفی رانت های اطلاعاتی، پولی، مالی و جلوگیری از ویژه خواری در نظام اقتصادی است. عوامل بیرونی نیز به دنبال نفی رانت های قضایی و رانت های ناشی از موقعیت اجتماعی در مدیریت نظام اقتصادی است.

رانت اقتصادی اغلب از زمینه های نابهنجار در روابط اقتصادی سرچشمه می گیرد. مسائلی از قبیل انحصار استفاده از منابع طبیعی، محدودیت های بازرگانی، سیاست های حمایتی، کنترل قیمت ها، چندگانگی نرخ ارز، تخصیص سهمیه های ارزی و چگونگی توزیع بودجه و اعتبارات دولتی، بستر ساز رانت اقتصادی به شمار می آیند. رانت منابع طبیعی در گذشته، فقط در قالب انحصارها در تولید و توزیع منابع اولیه شکل می گرفت؛ اما امروز محدودیت های بازرگانی برای واردات کالاهای خارجی در قالب تعرفه ها و سهمیه بندی واردات، زمینه ساز بر خورداری بعضی گروه ها از رانت است.

آثار عدالت اقتصادی در تقسیم امکانات عمومی

رعایت عدالت اقتصادی در تقسیم امکانات عمومی آثار مثبت فراوانی دارد که به دو مورد مهم آن اشاره می‌کنیم.

الف. افزایش کارایی

در کارایی، صرف‌نظر از قضاوت‌هایی ارزشی که در اقتصاد پارتویی مطرح شده است، تمام روابطی که در تعریف کارایی استفاده می‌شود، در واقع نشان‌دهنده معیارهای استفاده عاقلانه از اموال است و با وضعیت قوام اقتصادی در تولید و مصرف سازگار است و وضعی که باید یک اقتصاد داشته باشد تا حداکثر تولید و حداکثر رضایت‌مندی اجتماعی، بر اساس شرایط ارزشی و سلیقه‌ای در هر نظام اقتصادی را نشان می‌دهد (عیوضلو، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲).

در اسلام نیز می‌توان با اصولی نظیر استفاده عاقلانه از اموال (ولا توتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاما) (نساء، ۵) و اصل لا ضرر توضیح داد.

از آنجایی که کارایی با توجه به ارزش‌ها و مطلوبیت‌های هر جامعه متفاوت است ولی اولین بار معیار کارایی و بهینه پارتویی توسط پارتو معرفی شده است، تعریف این معیار با قضاوت‌های ارزشی پارتویی همراه شده است. در ظاهر بهینه پارتویی با اخلاق و عدالت در تضاد است و اشکال گرفته‌اند که با عدالت اقتصادی، بهینه پارتویی واقع نمی‌شود ولی بر بهینه پارتویی در اقتصاد متعارف نیز اشکالاتی وارد شده است. لذا برخی تضاد با کارایی پارتویی مبتنی بر اقتصاد رفاه دیده می‌شود، مانند اینکه رفاه و مطلوبیت هر فرد تابع ثروت، درآمد و فراغت او است و به رفاه افراد دیگر بستگی ندارد، لذا مقایسه بین فردی با این فرض بی‌معنی است. به خاطر همین گزینه مختلف توزیع درآمد تأثیری در کارایی ندارد و می‌توان نتیجه گرفت که توزیع مجدد درآمد واقعی از گروه ثروتمندان به گروه فقرا خالصی برای جامعه در پی نداشته باشد.

اما برخی از معروف‌ترین اقتصاددانان مانند لاکستر (Lancaster) نقطه بهینه دوم را مطرح کرد، در شرایطی که تابعی نسبت به چند محدودیت حداکثر شود و برخی از شرایط لازم تأمین نشود، در آن صورت بقیه شرایط تغییر خواهد یافت تا نقطه بهینه دوم برسیم. وقتی برخی از شرایط بهینه اول تحقق نمی‌یابند، این خود یک محدودیت جدی است که تابع اصلی باید نسبت به این محدودیت هم حداکثر شود و حداکثر سازی تابع اصلی نسبت به این محدودیت و سایر محدودیت‌ها، ما را به مجموعه شرایط لازم جدیدی سوق می‌دهد که نقطه بهینه نامیده می‌شود (عیوضلو، ۱۳۸۴، ص ۱۵۸). با این وجود، آقای نث (Nath) در کتاب معروف خود به نام «یک راه حل»، شرایط لازم، بهینه پارتویی را به دو قسمت تفکیک می‌کند، بهینه تولیدی فنی و بهینه مبادله‌ای پارتویی (عیوضلو، ۱۳۸۴، ص ۱۵۹). وی اثبات می‌کند که در شرایط تحقق کارایی مطرح است که عموماً در شرایط بهینه پارتویی صادق است اما شرایط بهینگی تولیدی فنی از این شرایط مبرا است؛ به خاطر اینکه با توجه به فرهنگ جامعه شاید با عدالت به نقطه بهینه پارتو نمی‌رسیم اما از لحاظ فنی و تولیدی به بهینه می‌رسیم. این مطلب توسط لیپسی و لانکستر هم تأکید شده است که نقطه بهینه دوم، بیشترین کارایی دارد، در نقطه‌ای که لحاظ فنی ناکارا است هرگز واقع نمی‌شود (R.G. Lipsey and K. Lancaster 1956)؛ پس بهینه پارتویی با توجه به فرهنگ غرب نمی‌توان عدالت را به‌عنوان عامل مؤثر در آن دانست گرچه منتقدانی از اقتصاددانان در جهت اصلاح آن برآمدند.

همچنین در اقتصاد نشان داده شده است که بهبود محیط کار و بهره‌وری رابطه مستقیمی وجود دارد زیرا بر اساس بهبود شرایط محیط کار، تلاش کارگران نیز بیشتر می‌شود، یعنی کارایی درونی بیشتر می‌شود (Morris Altman, 2002) در بهینه پیگو که به کارایی درونی توجه شده است که در این فرایند پویا، رفاه کل اقتصادی افزایش می‌یابد، بدون اینکه لزوماً رفاه افراد

ثروتمند کاهش یابد (عیوضلو، ۱۳۸۴، ص ۱۷۱). در نتیجه با برقراری عدالت از امکانات به صورت کاراتری استفاده خواهد شد.

در اقتصاد اسلامی نیز بر پایه قضاوت‌های ارزشی حاکم بر اقتصاد رفاه اسلامی عدالت اقتصادی در تقسیم امکانات عمومی باعث بهینه‌کاری می‌شود؛ زیرا در اقتصاد اسلامی که بر اساس حاکمیت خداوند بنا شده است، حتی معیار پارتویی را در نظر داشته باشیم، باز هم چون ارزش‌ها و فضای اسلامی است و ارزش‌های معنوی مطرح است و هم اینکه هرکس بر اساس استعداد و لیاقت خود در فرصت برابر ناشی از تقسیم امکانات عمومی در کارها مشغول است و از هدر رفتن استعدادها جلوگیری می‌شود، باز هم در این صورت بیشترین کارایی از امکانات را دارد.

ب. توسعه پایدار

تعریف توسعه پایداری: متداول‌ترین تعریف از پایداری، تعریفی است که کمیون جهانی محیط‌زیست و توسعه (WCED, 1987: 43) ارائه داده است: توسعه‌ای که نیازمندی‌های نسل حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی نسل‌های آتی، در تأمین نیازهای خود برآورده می‌کند
WCED, 1987: 43.

کمیته توسعه پایدار سازمان ملل نیز تعریف خود را این‌گونه ارائه می‌دهد:
افزایش پایدار در تولید و مصرف کالاها و خدماتی که به نیازهای اولیه، مربوط بوده، کیفیت زندگی را ارتقا می‌دهند. این کار باید هم‌زمان با کاهش بهره‌برداری از منابع طبیعی و مواد سمی و پراکندن زباله‌ها و آلاینده‌ها در چرخه زندگی باشد تا نیازهای نسل‌های آینده را دچار مخاطره نسازد؛ به عبارت دیگر مستلزم صرفه‌جویی در منابع کمیاب و تدبیر بسیار در استفاده از منابع فراوان و تجدیدپذیر است (دیرباز و دادگر، ۱۳۸۶، ص ۲۸).

اگر قانون‌گذاری بر اساس عدالت باشد و امکانات عمومی عادلانه تقسیم شود در نتیجه فرصت‌های برابر ایجاد می‌شود. در صورتی که انسان‌ها طبق این قوانین عمل کنند، توسعه پایدار تحقق می‌یابد؛ یعنی از منابع به صورت بهینه استفاده می‌شود. بهترین و کارآمدترین خط تولید و فناوری، مورد استفاده قرار می‌گیرد. امکان وارد شدن در عرصه تولید ثروت و استفاده از منابع خدادادی برای همه فراهم است و از این جهت، هیچ‌کس مورد ظلم و تعدی قرار نمی‌گیرد. در فرایند تولید، هرکس به اندازه تلاشی که در فرایند داشته، از منابع آن بهره‌مند می‌شود. در عرصه مصرف؛ اسراف اتراب و زیاده‌روی در کار نخواهد بود. حقوق گونه‌های حیاتی اعم از جانوری و گیاهی قابل احترام است و مصالح نسل‌های بعد نیز همواره محور توجه انسان‌های فعلی خواهد بود. در چنین وضعیتی محیط‌زیست تخریب نمی‌شود و توسعه پایدار انجام می‌شود (فراهانی فرد، ۱۳۹۳).

نتیجه

در آموزه‌های اسلامی عدالت اقتصادی، مخصوصاً در تقسیم عادلانه امکانات عمومی از اهمیت بالایی برخوردار است. بطوریکه امام علی (ع)، عدالت مخصوصاً عدالت اقتصادی را عامل اصلی پذیرفتن حکومت می‌داند.

عدالت اقتصادی در تقسیم امکانات عمومی باعث ایجاد فرصت برابر در جامعه می‌شود. این فرصت برابر، باعث ایجاد زمینه مناسب فعالیت عادلانه افراد در کارهای سالم اقتصادی می‌شود. با ایجاد زمینه مناسب فعالیت اقتصادی، رونق اقتصادی ایجاد می‌شود. از طرفی چون عدالت اقتصادی ایجاد می‌شود، طرفین ملت و حاکمیت وظیفه خود را بر اساس حق دو طرف، باید انجام دهد که توسعه‌یافتگی ایجاد می‌شود و شامل رشد در همه ابعاد اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی را شامل می‌شود. در چنین شرایطی چون هرکس بر اساس استعداد خود در کارها مشغول شده است و در فرصت‌های برابر به امکانات مناسب دست‌یافته است، از امکانات

بهترین استفاده می‌شود و مردم هم چون در جامعه اسلامی تربیت شده است از برقراری عدالت بیشترین مطلوبیت را خواهد داشت که کارایی عدالت را نشان می‌دهد. از طرفی به خاطر اینکه در تقسیم امکانات عمومی عدالت وجود دارد، حتی آیندگان نیز در نظر گرفته می‌شود و از منابع محدود و تجدیدنپذیر به حد نیاز و بهینه استفاده می‌شود که این فرایند توسعه پایدار را به دنبال خواهد داشت.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ دوم، قم، ۱۴۱۳ق.
۴. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعه، انتشارات فرهنگ سبز، چ اول، تهران، ۱۳۸۶ش.
۵. بلوم، ویلیام تی، نظریه‌های نظام سیاسی. نشر آران، چ اول، تهران، ۱۳۷۳، ج ۲
۶. بیانات مقام معظم رهبری، ۸۷/۱/۱ برگرفته از سایت معظم له
۷. تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، چ ششم، تهران، ۱۳۷۷
۸. جهانیان، ناصر، عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام، به کوشش سید حسین میرمعزی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۹. حکیمی، اخوان، ترجمه الحیات، ترجمه: احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش، ج ۵

لزوم عدالت اقتصادی در بهره برداری امکانات عمومی از منظر آموزه های دینی ۶۹

۱۰. دیرباز، عسگر و دادگر، حسن، نگاهی به اسلام و توسعه پایدار، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۶

۱۱. دیرباز، عسگر و دادگر، حسن، نگاهی به اسلام و توسعه پایدار، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۶ ش

۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن مفضل، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیه، اول، ۱۴۱۲ ق

۱۳. رجایی، سید محمدکاظم و معلمی، سید مهدی، درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص های آن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۴

۱۴. رومر، جان ای، برابری فرصت، ترجمه محمد خضری، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ اول، تهران، ۱۳۸۲ ش

۱۵. عیوضلو، حسین، عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۴، چاپ اول

۱۶. فراهانی فرد، سعید، عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام، به کوشش سید حسین میرمعزی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۳

۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، قم، نشر اسوه، ۱۴۱۴ ق. ج ۲

۱۸. فیض کاشانی، ملا محمدتقی، الوافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰، ج ۳

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ق، ج ۳

۲۰. محمدتقی، مصباح یزدی، آموزش عقاید، تهران سازمان تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۷

۲۱. محمدهادی، معرفت، عدالت مهدوی در قرآن، مجله انتظار، ش ۱۳، ۱۳۸۳

۲۲. مرامی، علیرضا، بررسی مقایسه‌ای مفهوم عدالت، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۸
۲۳. مرامی، علیرضا، بررسی مقایسه‌ای مفهوم عدالت، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۴ ش
۲۴. مطهری، مرتضی، انسان کامل، چ ۱۱، قم، صدرا، ۱۳۷۳، ج ۱
۲۵. معجم الصحاح، تحقیق خلیل بن مأمون شیخا، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق
۲۶. معلمی، سید مهدی، چهارچوب نظام مالی عادلانه، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۷، چ اول
۲۷. مکارم شیرازی، محمدناصر، تفسیرنمونه، دارالکتب الاسلامیه، چ اول، تهران، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۶.
۲۸. موحدی، محمدعلی، در هوای حق و عدالت (از حقوق طبیعی تا حقوق بشر)
۲۹. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، فقه الشیعہ، مقرر سید محمد مهدی موسوی خلخالی، چ ۳، قم، مؤسسه آفاق، ۱۴۱۸، ج ۱
۳۰. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، فساد مالی و اقتصاد، ریشه‌ها و پیامدها، پیشگیری و مقابله، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۸۲.
۳۱. نظری، حسن آقا، عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام، به کوشش سید حسین میرمعزی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۳
۳۲. یوسفی، احمدعلی، مجله اقتصاد اسلامی، عدالت اقتصادی، ۱۳۸۴، شماره ۱۷.
۱. Cf. Morris Altman, "A Behavioral Theory of Economic Welfare and economic justice, A Smithian Alternative in pareto Optimality", International Journal of social economics, Vol,27.N.11,2002.pp.1098-1126

لزوم عدالت اقتصادی در بهره برداری امکانات عمومی از منظر آموزه های دینی ۷۱

۲. R.G. Lipsey and K. Lancaster. "The General Theory of second Best". Review
of Economic. 1956.

۳. WCED, 1987: 43